روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

دوشنبه ۹ آذر ۱۳۹۴ ■ ۱۸ صفر ۱۴۳۷ ■ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۵ ■ سال هشتم ■ شماره ۱۷۶۲ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ سال دولت و ملت، همدلی و همزبانی

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.08 ■ No.1762 ■ Mon.Nov.30, 2015 ■ ISSN:2008-2886

تأکید شمخانی و ظریف بر مختومه شدن پرونده مطالعات ادعایی در شورای حکام

یا برجام یا پی‌ام‌دی

صفحه ۲

مدل جدید خسارت نفتی!

صفحه ۳

«بگلیم یالچین»، فعال اسلامی ترک در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

می‌خواهند اربعین دیده نشود

صفحه ۱۲

رکورد رضازاده شکسته شد

صفحه ۱۴

نامه مهم رهبر انقلاب به جوانان غربی درباره حوادث تروریستی فرانسه

کمی درد مشترک

■ دنیای اسلام سال‌هاست که حوادث تروریستی فرانسه را در ابعادی وسیع‌تر تجربه می‌کند

■ وحشت‌افکنی و تروریسم همواره از طرف برخی قدرت‌های بزرگ حمایت شده است

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی در نامه‌ای به عموم جوانان کشورهای غربی، حوادث تلخ تروریستی فرانسه را زمینه‌ای برای همفکری خواندند و با برشمردن نمونه‌های دردناکی از «آثار تروریسم مورد حمایت برخی قدرت‌های بزرگ در دنیای اسلام، پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل و لشکرکشی‌های خسارت‌آفرین سال‌های اخیر به دنیای اسلام»، خطاب به جوانان خاطرنشان کردند: من از شما جوانان می‌خواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف‌بینی و استفاده از تجربه‌های ناگوار، بنیان‌های یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی‌ریزی کنید. متن نامه رهبر حکیم انقلاب به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

به عموم جوانان در کشورهای غربی

حوادث تلخی که تروریسم کور در فرانسه رقم زد، بار دیگر مرا به گفت‌وگو با شما جوانان برانگیخت. برای من تاسفبار است که چنین رویدادهایی بستر سخن را بسازد اما واقعیت این است که اگر مسائل دردناک، زمینه‌ای برای چاره‌اندیشی و محملی برای همفکری فراهم نکند، خسارت دوچندان خواهد شد. رنج هر انسانی در هر نقطه از جهان، به‌خودی‌خود برای همنوعان اندوهبار است. منظره کودکی که در برابر دیدگان عزیزانش جان می‌دهد، مادری که شادی خانواده‌اش به عزا مبدل می‌شود، شوهری که پیکر بی‌جان همسرش را شتابان به سویی می‌برد و یا تماشاگری که نمی‌داند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده نمایش زندگی را خواهد دید، مناظری نیست که عواطف و احساسات انسانی را برنینگیزد. هرکس که از محبت و انسانیت بهره‌ای برده باشد، از دیدن این صحنه‌ها متأثر و متألم می‌شود؛ چه در فرانسه رخ دهد، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه. قطعاً یک‌ونیم میلیارد مسلمان همین احساس را دارند و از عاملان و مسببان این فجایع، منزجر و بیزارند. اما مساله این است که رنج‌های امروز اگر مایه ساختن فردایی بهتر و ایمن‌تر نشود، فقط به خاطره‌هایی تلخ و بی‌ثمر فرو خواهد کاست. من ایمان دارم که تنها شما جوان‌هایید که با درس گرفتن از ناملایمات امروز، قادر خواهید بود راه‌هایی نو برای ساخت آینده بیابید و سد بیراهه‌هایی شوید که غرب را به نقطه کنونی رسانده است.

درست است که امروز تروریسم درد مشترک ما و شماست، اما لازم است بدانید که ناامنی و اضطرابی که در حوادث اخیر تجربه کردید، با رنجی که مردم عراق، یمن، سوریه و افغانستان طی سال‌های متمادی تحمل کرده‌اند ۲ تفاوت عمده دارد؛ نخست اینکه دنیای اسلام در ابعادی به‌مراتب وسیع‌تر، در حجمی انبوه‌تر و به مدت بسیار طولانی‌تر قربانی وحشت‌افکنی و خشونت بوده است و دوم اینکه متأسفانه این خشونت‌ها همواره از طرف برخی از قدرت‌های بزرگ به شیوه‌های گوناگون و به شکل مؤثر حمایت شده است. امروز کمتر کسی از نقش ایالات متحده آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله‌های شوم آنان بی‌اطلاع است. در کنار این پشتیبانی مستقیم، حامیان آشکار و شناخته‌شده تروریسم تکفیری، به‌رغم داشتن عقب‌مانده‌ترین نظام‌های سیاسی، همواره در ردیف متحدان غرب جاگرفته‌اند و این در حالی است که پیشروترین و روشن‌ترین اندیشه‌های برخاسته از مردم‌سالاری‌های پویا در منطقه، بی‌رحمانه مورد سرکوب قرار گرفته است. برخورد دوگانه غرب با جنبش بیداری در جهان اسلام، نمونه گویایی از تضاد در سیاست‌های غربی است.

چهره دیگر این تضاد، در پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل دیده می‌شود. مردم ستمدیده فلسطین بیش از ۶۰ سال است که بدترین نوع تروریسم را تجربه می‌کنند. اگر مردم اروپا اکنون چند روزی در خانه‌های خود پناه می‌گیرند و از حضور در مجامع و مراکز پرجمعیت پرهیز می‌کنند، یک خانواده فلسطینی ده‌ها سال است که حتی در خانه خود از ماشین کشتار و تخریب رژیم صهیونیست در امان نیست. امروز چه نوع خشونتی را می‌توان از نظر شدت قساوت با شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیست مقایسه کرد؟ این رژیم بدون اینکه هرگز به‌طور جدی و مؤثر مورد سرزنش متحدان پرنفوذ خود و یا لااقل نهادهای به‌ظاهر مستقل بین‌المللی قرار گیرد، هر روز خانه فلسطینیان را ویران و باغ‌ها و مزارع‌شان را نابود می‌کند، بی‌آنکه حتی فرصت انتقال اسباب زندگی یا مجال جمع‌آوری محصول کشاورزی را به آنان بدهد و همه اینها اغلب در برابر دیدگان وحشت‌زده و چشمان اشکبار زنان و کودکانی روی می‌دهد که شاهد ضرب و جرح اعضای خانواده خود و در مواردی انتقال آنها به شکنجه‌گاه‌های مخوفند. آیا در دنیای امروز، قساوت دیگری را در این حجم و ابعاد و با این تداوم زمانی می‌شناسید؟ به گلوله بستن بانویی در وسط خیابان فقط به جرم اعتراض به سرباز تا دندان مسلح، اگر تروریسم نیست پس چیست؟ این بربریت چون توسط نیروی نظامی یک دولت اشغالگر انجام می‌شود، نباید افراطی‌گری خوانده شود؟ یا شاید این تصاویر فقط به این علت که ۶۰ سال مکرراً از صفحه تلویزیون‌ها دیده شده، دیگر نباید وجدان ما را تحریک کند.

لشکرکشی‌های سال‌های اخیر به دنیای اسلام که خود قربانیان بی‌شماری داشت، نمونه‌ای دیگر از منطق متناقض غرب است. کشورهای مورد تهاجم، علاوه بر خسارت‌های انسانی، زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی خود را از دست داده‌اند، حرکت آنها به سوی رشد و توسعه به توقف یا کندی گراییده و در مواردی ده‌ها سال به عقب برگشته‌اند؛ با وجود این، گستاخانه از آنان خواسته می‌شود که خود را ستمدیده ندانند. چگونه می‌توان کشوری را به ویرانه تبدیل کرد و شهر و روستایش را به خاکستر نشاند، سپس به آنها گفت که لطفاً خود را ستمدیده ندانید! به جای دعوت به نفهمیدن و یا از یاد بردن فاجعه‌ها، آیا عذرخواهی صادقانه بهتر نیست؟ رنجی که در این سال‌ها دنیای اسلام از دورویی و چهره‌آرایی مهاجمان کشیده است، کمتر از خسارت‌های مادی نیست.

جوانان عزیز! من امید دارم که شما در حال یا آینده، این ذهنیت آلوده به تزویر را تغییر دهید؛ ذهنیتی که هنرش پنهان کردن اهداف دور و آراستن اغراض موذیانه است. به نظر من نخستین مرحله در ایجاد امنیت و آرامش، اصلاح این اندیشه خشونت‌زاست. تا زمانی که معیارهای دوگانه بر سیاست غرب مسلط باشد، و تا وقتی که تروریسم در نگاه حامیان قدرتمندش به انواع خوب و بد تقسیم شود، و تا روزی که منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه‌های خشونت را در جای دیگر جست‌وجو کرد.

متأسفانه این ریشه‌ها طی سالیان متمادی، بتدریج در اعماق سیاست‌های فرهنگی غرب نیز رسوخ کرده و یک هجوم نرم و خاموش را سامان داده است. بسیاری از کشورهای دنیا به فرهنگ بومی و ملی خود افتخار می‌کنند، فرهنگ‌هایی که در عین بالندگی و زایش، صدها سال جوامع بشری را بخوبی تغذیه کرده است؛ دنیای اسلام نیز از این امر مستثنا نبوده است. اما در دوره معاصر، جهان غرب با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته، بر شبیه‌سازی و همانندسازی فرهنگی جهان پافشاری می‌کند. من تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملت‌ها و کوچک شمردن فرهنگ‌های مستقل را یک خشونت خاموش و بسیار زیانبار تلقی می‌کنم. تحقیر فرهنگ‌های غنی و اهانت به محترم‌ترین بخش‌های آنها در حالی صورت می‌گیرد که فرهنگ جایگزین، به‌هیچ‌وجه از ظرفیت جانشینی برخوردار نیست. به طور مثال، ۲ عنصر «پرخاشگری» و «بی‌بندوباری اخلاقی» که متأسفانه به مؤلفه‌های اصلی فرهنگ غربی تبدیل شده است، مقبولیت و جایگاه آن را حتی در خاستگاهش تنزل داده است. اینک سوال این است که اگر ما یک فرهنگ ستیزه‌جو، مبتذل و معناگریز را نخواهیم، گنهکاریم؟ اگر مانع سیل ویرانگری شویم که در قالب انواع محصولات شبه‌هنری به سوی جوانان ما روانه می‌شود، مقصریم؟ من اهمیت و ارزش پیوندهای فرهنگی را انکار نمی‌کنم. این پیوندها هر گاه در شرایط طبیعی و با احترام به جامعه پذیرا صورت گرفته، رشد و بالندگی و غنا را به ارمغان آورده است. در مقابل، پیوندهای ناهمگون و تحمیلی، ناموفق و خسارتبار بوده است. با کمال تأسف باید بگویم که گروه‌های فرومایه‌ای مثل داعش، زاییده اینگونه وصلت‌های ناموفق با فرهنگ‌های وارداتی است. اگر مشکل واقعاً عقیدتی بود، می‌بایست پیش از عصر استعمار نیز نظیر این پدیده‌ها در جهان اسلام مشاهده می‌شد، درحالی‌که تاریخ، خلاف آن را گواهی می‌دهد. مستندات مسلم تاریخی به‌روشنی نشان می‌دهد که چگونه تلاقی استعمار با یک تفکر افراطی و مطرود، آن‌هم در دل یک قبیله بدوی، بذر تندروی را در این منطقه کاشت، وگرنه چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی‌ترین و انسانی‌ترین مکاتب دینی جهان که در متن بنیادین خود، گرفتن جان یک انسان را به مثابه کشتن همه بشریت می‌داند، زباله‌ای مثل داعش بیرون بیاید؟

از طرف دیگر باید پرسید چرا کسانی که در اروپا متولد شده‌اند و در همان محیط، پرورش فکری و روحی یافته‌اند، جذب این نوع گروه‌ها می‌شوند؟ آیا می‌توان باور کرد که افراد با یکی ـ دو سفر به مناطق جنگی، ناگهان آنقدر افراطی شوند که هموطنان خود را گلوله‌باران کنند؟ قطعاً نباید تأثیر یک عمر تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولد خشونت را فراموش کرد. باید در این زمینه تحلیلی جامع داشت، تحلیلی که آلودگی‌های پیدا و پنهان جامعه را بیابد. شاید نفرت عمیقی که طی سال‌های شکوفایی صنعتی و اقتصادی، بر اثر نابرابری‌ها و احیاناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل اقشاری از جوامع غربی کاشته شده، عقده‌هایی را ایجاد کرده که هر از چندی بیمارگونه به این صورت گشوده می‌شود.

به‌هرحال این شما هستید که باید لایه‌های ظاهری جامعه خود را بشکافید، گره‌ها و کینه‌ها را بیابید و بزدایید. شکاف‌ها را به جای تعمیق، باید ترمیم کرد. اشتباه بزرگ در مبارزه با تروریسم، واکنش‌های عجولانه‌ای است که گسست‌های موجود را افزایش دهد. هر حرکت هیجانی و شتاب‌زده که جامعه مسلمان ساکن اروپا و آمریکا را که متشکل از میلیون‌ها انسان فعال و مسؤولیت‌پذیر است، در انزوا یا هراس و اضطراب قرار دهد و بیش از گذشته آنان را از حقوق اصلی‌شان محروم سازد و از صحنه اجتماع کنار گذارد، نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد بلکه فاصله‌ها را عمق و کدورت‌ها را وسعت خواهد داد. تدابیر سطحی و واکنشی - مخصوصاً اگر وجاهت قانونی بیابد - جز اینکه با افزایش قطب‌بندی‌های موجود، راه را بر بحران‌های آینده بگشاید، ثمر دیگری نخواهد داشت. طبق اخبار رسیده، در برخی از کشورهای اروپایی مقرراتی وضع شده است که شهروندان را به جاسوسی علیه مسلمانان وامی‌دارد؛ این رفتارها ظالمانه است و همه می‌دانیم که ظلم، خواه‌ناخواه خاصیت برگشت‌پذیری دارد. وانگهی مسلمانان، شایسته این ناسپاسی‌ها نیستند. دنیای باختر قرن‌هاست که مسلمانان را بخوبی می‌شناسد؛ هم آن روز که غربیان در خاک اسلام میهمان شدند و به ثروت صاحبخانه چشم دوختند، و هم روز دیگر که میزبان بودند و از کار و فکر مسلمانان بهره جستند، اغلب جز مهربانی و شکیبایی ندیدند. بنابراین من از شما جوانان می‌خواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف‌بینی و استفاده از تجربه‌های ناگوار، بنیان‌های یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی‌ریزی کنید. در این صورت، در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهید دید بنایی که بر چنین شالوده‌ای استوار کرده‌اید، سایه اطمینان و اعتماد را بر سر معمارانش می‌گستراند، گرمای امنیت و آرامش را به آنان هدیه می‌دهد و فروغ امید به آینده‌ای روشن را بر صفحه گیتی می‌تاباند.

سیدعلی خامنه‌ای
۸ آذر ۱۳۹۴

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

آگهی وزارت
بهداشت درمان و آموزش پزشکی
هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی
۲۸۹۴ م الف
شرح در صفحه ۵

یادداشت امروز

نجات طرح خاورمیانه جدید با نفوذ استارت‌آپ‌های آمریکایی

فصل فتنه فناورانه!

■ علی هدایت ■

سرمایه‌گذاری اجتماعی به منظور تحقق برنامه‌ریزی‌ها برای فتح زیرساخت‌های اقتصادی کشورها و جوامع رقیب در حوزه‌های تمدنی از پیشینه‌ای تاریخی برخوردار است. کشورهای استعمارگر به طور معمول تسلط خود بر اهداف مستعمراتی را با نفوذ در طبقه حاکمه و ترویج خرافات، فحشا و فساد اجتماعی به منظور تضمین تجارت استعماری خود پیش می‌بردند.

«کمپانی هند شرقی» را از منظر تاریخی می‌توان سرآمد اجرای توأمان نقشه‌های فتح اقتصادی و اجتماعی برشمرد. شرکتی وابسته به دربار پادشاهی انگلیس که به واسطه پنهان بودن هویت زرسالاران عضو آن به «کمیته سری لندن» شهرت داشت. آنها برای دوام تجارت‌شان با یک دست از هزاردستان توطئه «رشوه» را به رسم رایج شرقی بدل ساختند و با دست دیگر میسیونرهای وابسته را برای عوام‌فریبی به گسترش ادیان و باورهای دروغین واداشتند. هدف در همه مسیر، ایجاد تغییراتی هوشمندانه در سبک زندگی، اندیشه و باورهای حاکمان و مردم بود تا نفت جنوب، پشم راور کرمان، ابریشم مازندران و غله ایران را مفت صاحب شوند. جالب است که مالکان کمپانی هند شرقی به رسم محلی‌ها در هند و ایران «کدخدا» نامیده می‌شدند و مستندات به دست آمده حکایت از آن دارد که کدخدای دهکده جهانی در کشاکش بحران بی‌پولی و شکست طرح خاورمیانه جدید، رو به تجربیات تاریخی آورده است.

■ موج فراگیر استارت‌آپی

در نقشه جدید «نفوذ» به قصد استعمار، خبری از کشتی‌های جنگی و کت قرمزهای عرق‌خور دزد و متجاوز نیست. بازی استعمار سر و شکل «فناورانه» به خود گرفته و استعمارگران خوش‌پوش در نقش «فرشتگان حمایتگر» به خاورمیانه آمده‌اند. پیش‌تر از معجزه همه‌گیری ناگهانی «استارت‌آپ‌ها» در ایران و اغلب کشورهای خاورمیانه گفتیم. نوعی جدید از کسب و کار مبتنی بر فناوری که مستقیما توسط زرسالاران و کمپانی‌های «سیلیکون ولی»- دره فناوری‌های نوین آمریکا- تغذیه می‌شوند.

ماجرا به این شکل پیش می‌رود که شرکت‌های مطرحی همچون گوگل، مایکروسافت، اینتل، آی‌بی‌ام و اپل به‌ناگاه تصمیم گرفتند همراه با «دیپلماسی دیجیتال» وزارت خارجه آمریکا بخشی از سود سالانه خود را به کشف و حمایت از ایده‌های نوین کارآفرینی فناورانه در کشورهای هدف اختصاص دهند. شبکه‌سازی خیرخواهانه که با کسب بودجه‌ای حداقلی با سرعتی مثال‌زدنی به پیش می‌رود و یک به یک کشورهای خاورمیانه را که از بالاترین آمار بیکاری جوانان تحصیلکرده و خوشفکر برخوردارند، فتح می‌کند.

■ مقابله با بیداری اسلامی

سایت شورای روابط خارجی آمریکا سپتامبر ۲۰۱۳ یادداشتی با عنوان «آیا بهار استارت‌آپ به خاورمیانه آمده؟» منتشر کرد که در آن بدون ایجاد حساسیت سیاسی، به سیل تغییرات در حال وقوع در منطقه پس از شتاب ناگهانی استارت‌آپ‌ها اشاره می‌شود. در این یادداشت از موج استارت‌آپ‌ها که خاورمیانه را درمی‌نوردد با عنوان «بهار عربی جدید» با هدف ایجاد تغییرات ماندگار اجتماعی- سیاسی بویژه با تمرکز بر زنان نام برده شده و نقل قولی از «کریستوفر شرودر» آمده که سال ۲۰۱۰ در واشنگتن‌پست منتشر شده است: «این ارزش تماشا و حمایت دارد که در بحبوحه درگیری‌های سیاسی خاورمیانه، کارآفرینان عرب در حال راه‌اندازی یک بهار عربی جدید و یک انقلاب هستند که بسیار مورد نیاز منطقه است».

شرودر آمریکایی نویسنده کتابی به نام «استارت‌آپ‌ها برمی‌خیزند: انقلاب کارآفرینی، بازسازی خاورمیانه» است. او عضو شورای روابط خارجی آمریکا و محقق ارشد وزارت خارجه ایالات متحده در حوزه کارآفرینی و امنیت ملی آمریکاست و به صورت غیررسمی می‌توان وی را مدیر پروژه بازطراحی «خاورمیانه جدید» از مسیر پلان B یا «راهکار غیرجنگی» دانست.

ادامه در صفحه ۵